



فرانکلین با خودش فکر کرد که خیلی خوش شانس است. فکر کرد بهترین ماهی قرمز دنیا و بهترین دوست‌ها و بهترین سگ پارچه‌ای را دارد. و مهم‌تر از همه، فرانکلین فکر کرد که مادرش بهترین مادر دنیا است.

